

## کشف الاستار عن وجه الغائب عن الابصار؛

میرزا حسین نوری طبرسی؛ تحقیق، تعلیق و مقدمات: احمد علی معجد الحلی؛ کربلا: مکتبه العتبه العباسیه المقدسه، ۱۴۳۲ ق/ ۲۰۱۱ م، ۶۳۶ ص.

سامرا، این شهر را به قبله قبیلۀ ایمانیان بدل کرد. این وجهه معنوی زمانی کامل تر شد که سامرا، مطلع فجر روشن مهدوی، یعنی زادگاه حضرت ولی عصر ارواحنا فدا شد.

بدین روی، از سده سوم هجری بدین سوی، همواره دو نگاه به این دیار وجود داشته: یکی نگاه به قدرت مادی به دلیل وجود حاکمان یا خوشگذرانی‌های هزارویک شبی به دلیل آب جاری و دلربای دجله؛ دیگر توجه شیفتگان خاندان نور که شاخه‌ای پربار از شجره طیبه نبوت و امامت را در این شهر، شاهد بودند. اینان، زلال جاری ولایت و انتظار موعود را در سامرا دیده و همواره بدان چشم دوخته‌اند؛ به عنوان کانون نوری تابناک که ظلمت پرستان، خاموشی آن را اراده کرده بودند، اما خدایی که تداوم این نور را وعده کرده، آن را به مقصد می‌رساند؛ گرچه دل‌بستگان اقلیم تیرگی را خوش نیاید.<sup>۱</sup>

### [۲]

شهر سامرا، در گذر زمان، همچنان پیش می‌آمد تا سده سیزدهم هجری فرارسید. در حدود سال ۱۲۹۰، هجرت عالمی روشن بین و جامع نگر، مرحوم آیت الله میرزا محمد حسن شیرازی از نجف به سامرا، چهره معنوی این شهر را احیا کرد و بار دیگر این سرزمین را به عنوان کانون توجه شهروندان دیار امامت و انتظار، مطرح ساخت.

به برکت این هجرت تاریخی، جلسات درس علوم دینی، نمادهای آبادانی و خدمات شهری، سفرهای زیارتی و... در سامرا فزونی گرفت، که تا چند دهه بعد، ادامه یافت؛ چنان‌که بعضی از آثار این هجرت مقدس، تا کنون در این دیار، مشهود است.<sup>۲</sup>

محدث نام آور مرحوم حاج میرزا حسین طبرسی نوری یکی از عالمانی است که محل انس و اعتماد میرزای بزرگ شیرازی بود و در آن هجرت تاریخی با ایشان همراهی کرد که این اقامت پس از رحلت میرزای شیرازی (سال ۱۳۱۲) ادامه یافت و محدث نوری در سال ۱۳۱۴ ق به نجف بازگشت. تألیف چندین کتاب به ویژه دانشنامه (موسوعه) ی عظیم مستدرک الوسائل، یادگارهایی ماندگار از دوره اقامت مرحوم

۱. رک: محمد صحتی سردودی؛ سیمای سامرا؛ قم: سازمان تبلیغات اسلامی، سلسله دیار ابرار.

۲. رک: علی ابوالحسنی؛ تجلی از نقش سه‌گانه شیخ شهید فضل الله نوری در نهضت تحریم تنباکو.

همو؛ پایداری تا پای داز؛ ص ۲۰۴-۲۰۹. محمد صحتی؛ سیمای سامرا؛ ص ۱۷۹-۱۸۴.

## نقد و بررسی کتاب

عبدالحسین طالعی

## معرفی، نقد و بررسی کتاب

# کشف الاستار عن

# وجه الغائب

# عن الابصار

چکیده: کتاب کشف الاستار عن وجه الغائب عن الابصار اثر علامه محدث میرزا حسین نوری طبرسی، پاسخ به قصیده ۲۵ بیتی آلوسی معروف به قصیده بغدادیه است که در آن این دانشمند اهل تسنن، چند شبهه پیرامون اصل وجود، طول عمر، غیبت و برخی از ویژگی‌های امام عصر (ع) مطرح می‌نماید. نویسنده در نوشتار حاضر، پس از شرح مختصری از زندگی محدث نوری، اشاره ای به آثار وی در زمینه های مختلف دارد. سپس، از زمینه نگارش کتاب و چاپ های مختلف آن سخن گفته و به معرفی چاپی از آن که توسط محقق معاصر نجفی، جناب احمد علی مجید حلی تصحیح شده است، می‌پردازد. به این ترتیب، پس از بیان زندگی نامه مختصری از احمد علی مجید حلی، به طور مبسوط محتوای فصول کتاب را معرفی و در بوته نقد و بررسی قرار می‌دهد. در انتها، با بیان امتیازهای این تصحیح و ارائه پیشنهاداتی جهت بهبود آن، مقاله خویش را به پایان می‌رساند.

کلیدواژه: کشف الاستار عن وجه الغائب عن الابصار، میرزا حسین نوری طبرسی، احمد علی مجید حلی، قصیده بغدادیه، آلوسی، معرفی و نقد کتاب.

### [۱]

سامرا، شهری خوش آب و هوا در جنوب عراق است که در سده سوم در جوار دجله بنا شد و به اعتبار همجواری «دجله»، به عنوان پایتخت، از سوی برخی حاکمان عباسی تعیین شد. همزمان با آن، کوچ اجباری و اقامت ناگزیر امام هادی و امام عسکری علیهما السلام از مدینه به

## [۴]

محدث محقق، فرهنگ بان مدافع حریم‌های عقیده، هشدارگر بدعت‌ها و انحراف‌های داخلی و خارجی، میرزا حسین نوری طبرسی، در ۱۸ شوال ۱۲۵۴ در قریه «یالو» از روستاهای شهر نورمندان زاده شد. پدر فقیه خود، میرزا محمد تقی نوری را در هشت سالگی از دست داد. در سن بلوغ به محضر مولی محمد علی محلاتی راه یافت که او را با عنوان «عالم جلیل فقیه زاهد ورع نبیل» می‌ستاید. پس از آن، بارها به عراق رفت و برگشت، از جمله در سال ۱۲۷۳ همراه شیخ عبدالرحیم بروجردی که چهار سال در نجف ماند، سپس در سفر سال ۱۲۷۸ که به حضور «عالم نحری، فقیه جامع شیخ عبدالحسین تهرانی» رسید، و همراه با او، دو سال در کربلا و دو سال در کاظمین بود؛ نیز در سال ۱۲۸۰ ق که شش ماه آخر عمر فقیه بزرگ شیخ مرتضی انصاری را درک کرد. بار دیگر در سال ۱۲۸۶ به نجف بازگشت و این بار ملازمت میرزا محمد حسن شیرازی را برگزید که تا سال ۱۳۱۲ (زمان درگذشت میرزای شیرازی) در نجف و سامرا با او همراه بود و از معتمدین خاص او به شمار می‌آمد. در سال ۱۳۱۴ ق، از سامرا به نجف بازگشت تا سال ۱۳۲۰ که در سن ۶۶ سالگی درگذشت. در خلال این مدت، سفرهای متعدد زیارتی و علمی به حج و مشهد الرضاع) و شهرهای دیگر داشت. همواره در طلب کتاب و استاد بود؛ از هر ملاقاتی درسی آموخت و نکته‌های اندوخت؛ از هر خوشه‌ای توشه‌ای برگرفت و در بسیاری از آثار خود، مبتکر و نوآر بود. در خلال این سال‌ها، لوای حدیث برافراشت؛ علوم حدیث را رواج داد و سنت کهن اجازة روایت را احیا کرد؛ به گونه‌ای که بسیاری از اجازات مشایخ حدیث در قرن چهاردهم به او می‌رسد.

نگارنده در نوشته‌های دیگر خود، آثار او را به هشت موضوع کلی تقسیم کرده است که در اینجا به اشاره‌ای بسنده می‌کنم و برخی از آثار یاد می‌شود:

۱. حدیث: مستدرک الوسائل، معالم العبر، الاربعونیات؛
۲. دعا و زیارت: الصحیفة الرابعة السجادية، الصحیفة الثانية العلوية، تحية الزائر، سلامة المرصاد؛
۳. فقه: تقریرات بحث‌های میرزای شیرازی و شیخ العراقین؛
۴. تاریخ و سیره‌ی معصومین علیهم السلام: میزان السماء؛
۵. تذکرات اخلاقی و اجتماعی: کلمه طيبة، لؤلؤ و مرجان، دارالسلام؛
۶. شرح حال اصحاب و بزرگان شیعه: نفس الرحمان، خاتمة المستدرک، الفیض القدسی، البدر المشعشع، مواقع النجوم؛
۷. مهدویت: نجم ثاقب، جنة المأوی، کشف‌الاستار؛
۸. کتابهای دیگر: شاخه طوبی، الظلمات الهاویة، المولودية، فهرست کتابخانه شخصی خودش.

نوری در سامراست. پایان تألیف سه جلد کتاب مستدرک در سال‌های ۱۳۰۵، ۱۳۱۰ و ۱۳۱۳ در سامراست که بی‌درنگ پس از آن نگارش خاتمه مستدرک الوسائل آغاز شد و در سال ۱۳۱۸ در نجف پایان یافت.<sup>۳</sup> این پیوست ارزشمند در معرفی مصادر مستدرک و مؤلفان آنها، همراه با نقد و بررسی منابع دیگر با افزودن یافته‌های فراوان است که در چاپ جدید، خود به ده مجلد می‌رسد.

## [۳]

آیت‌الله میرزا محمد حسن شیرازی، ویژگی‌هایی بارز و نمایان داشت که عملاً به شاگردان ایشان انتقال یافته بود. بدین سبب، از آن ویژگی‌ها، با عنوان «مکتب سامرا» یاد می‌شود. پاره‌ای از آن ویژگی‌ها - به نقل استاد فقیه سید مصلح‌الدین مهدوی - چنین است:

- توجه به تهذیب نفس و خودسازی و محوریت اخلاق و سلوک مبتنی بر شرع؛<sup>۴</sup>

- توجه به جنبه‌های عملی دین و حضور مؤثر در صحنه اجتماعی - فرهنگی؛

- زمان‌شناسی و وظیفه‌شناسی؛

- توجه مخصوص به مقام ولایت اهل بیت علیهم السلام؛

- توجه مخصوص به ضرورت دفاع از امامت امام عصر عجل‌الله فرجه؛

- مخالفت با نفوذ بیگانگان؛

- دفاع از حقوق ستم‌دیدگان.<sup>۵</sup>

یکی از این ویژگی‌ها، توجه فراوان به ناحیه مقدسه مهدویت است. این توجه، در اغلب تربیت‌یافتگان این مکتب دیده می‌شود.<sup>۶</sup>

البته برخی از صاحب‌نظران، عامل اصلی در مورد این رویکرد را ظهور فرقه بابیه و توجیهات ناروای آنان نسبت به نصوص مهدوی می‌دانند که عالمان آن روزگار را به دفاع از نصوص مهدوی و تبیین صحیح آنها واداشت. ولی واقع این است که این عامل را باید انگیزه‌ای خارجی افزون بر مؤلفه‌های پیشگفته - که عوامل داخلی بودند - دانست؛ بدین معنی که حتی اگر عامل خارجی منفی در آن زمان روی نمی‌داد، عوامل داخلی به آن اندازه قوت داشت که تربیت‌یافتگان این مکتب را به دفاع جانانه از مهدویت به عنوان محوری‌ترین عنصر تربیت دینی وادارد.

این سخن اجمالی به تفصیلی نیاز دارد که باید در جای خود بررسی شود.

۳. رک: سالشمار زندگی مرحوم نوری در: علامه محدث نوری؛ عبدالحسین طالع‌ی و محمد حسین صفارخواه؛ ص ۴۸-۵۴.

۴. به‌ویژه با حضور بزرگمردی مانند مولی فتح‌علی سلطان‌آبادی در سامرا.

۵. سید مصلح‌الدین مهدوی؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر؛ ج ۱، ص ۳۵۳-۳۵۶. نیز: نشریه حوزه، چاپ قم، شماره ۵۱-۵۲، ویژه مکتب سامرا.

۶. در این مورد، رک: حسین مفید؛ «باورداشت امامت. مهدویت در مکتب سامرا»، فصلنامه سفینه؛ ش ۱۱ و عبدالحسین طالع‌ی؛ سربرآستان دوست؛ انتشارات اینترنتی در سایت ال‌آر و کتابخانه مجلس.

## [۵]

محدث نوری، در جای جای آثارش، ضرورت توجه به ناحیه مقدسه مهدویه را تذکر میدهد؛ سخنانی که می‌رساند از دلی پرورد برآمده و در دل می‌نشیند؛ از جمله:

۱. کتاب دارالسلام، ج ۴، ص ۹۰، به مناسبت خیرتشرف سدیصریفی به حضور امام صادق صلوات الله علیه؛

۲. کتاب کلمه طیبه، باب دوازدهم، در این مورد که باید امام عصر(ع) را بر خود مقدم داشت، در دعا، صدقه، دفع بلا و...؛

۳. نجم ثاقب، باب دوازدهم، در تکالیف مردم نسبت به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه. ظاهراً مرحوم نوری نخستین عالمی است که چنین بابی آورده است.

باری، آن جان شیفته، سه کتاب مستقل درباره حضرت مهدی(ع) نوشت:

۱. جنه المأوی، مستدرک جلد سیزدهم بحار الانوار، به زبان عربی، در سال ۱۳۰۲؛

۲. نجم ثاقب، به زبان فارسی، برگرفته از جنه المأوی، با افزودن نکات ضروری به آن، در همان سال؛

۳. کشف الاستار، در پاسخ به قصیده یکی از دانشمندان اهل تسنن، در سال ۱۳۱۷. سخن در این نوشتار، در مورد همین کتاب است.

## [۶]

در ربیع الثانی سال ۱۳۱۷، قصیده‌ای از محمود شکری آلوسی (۱۲۷۳-۱۳۴۲ق) دانشمند اهل تسنن مقیم بغداد، نواده محمود آلوسی مؤلف روح المعانی به نجف ارسال شد که به قصیده بغدادیه شهرت یافت. مطلع قصیده چنین بود:

أیا علماء العصر من لهم خبر  
بکل دقیق حارفی مثله الفکر

آلوسی در این قصیده ۲۵ بیتی، چند شبهه درباره اصل وجود، طول عمر، غیبت و برخی ویژگی‌های امام عصر(ع) را مطرح می‌کند.

زمانی قصیده به نجف می‌رسد که محدث نوری سخت به کتاب خاتمة المستدرک اشتغال داشت. نوری در این دوره زمانی، درخواست‌های متعدّد برای تألیف آثار دیگر را به اتمام خاتمه مستدرک موکول کرده بود؛ چنان‌که در مقدمه لؤلؤ و مرجان اشاره می‌کند که سید محمد مرتضی جونپوری از هندی، بارها درباره اهل منبر و سهل‌انگاری‌های آنها در نقل حدیث و مقتل برایم نوشته بود، ولی به دلیل اشتغال به مستدرک، پاسخ به درخواست او را به تأخیر انداختم. نهایتاً پس از سال ۱۳۱۸ (پایان گرفتن خاتمة مستدرک) به آن می‌پردازد که در سال ۱۳۱۹، لؤلؤ و مرجان به پایان می‌رسد.

در همین فاصله، حاج محمدحسین امین‌الضرب مشهور به کمپانی، برای نخستین بار، تصمیم به چاپ دانشنامه عظیم بحار الانوار می‌گیرد و برای تصحیح آن براساس نسخه‌های خطی از محدث نوری کمک می‌خواهد، که مرحوم نوری در اینجا نیز به دلیل اشتغال به خاتمة مستدرک، این کار را به یکی از شاگردان خود - میرزا محمد ارباب قمی - می‌سپارد که در آن زمان در قم بوده و همراه با گروهی از دانشوران آن روزگار، چنان کار عظیمی را به سامان می‌رسانند.<sup>۷</sup>

اما در اینجا قصه، متفاوت بود: سخن در محوری‌ترین رکن اندیشه دینی بود؛ آن هم در قالب شعر که غالباً اثر آن بر اندیشه‌ها - خصوصاً در جوامع عربی - بیشتر است؛ از این رو محدث نوری کمر همت بر بست و در زمانی کوتاه - حدود دو ماه - به پاسخگویی آلوسی پرداخت، و کتاب «کشف الاستار عن وجه الغائب عن الابصار» را در نهم جمادی الثانیه ۱۳۱۷ به پایان برد.<sup>۸</sup>

پس از مرحوم نوری، چند تن از بزرگان به نظم یا نثر، به پاسخ قصیده بغدادیه پرداختند که اشارهای به آنها خواهد آمد.

به دلیل اهمیت کتاب، محدث نوری خود به نشر آن در اسرع وقت اهتمام کرد و نخستین چاپ کتاب در سال بعد، یعنی ۱۷ جمادی الاولی ۱۳۱۸ به صورت چاپ سنگی، در مطبعه حاج احمد مؤید العلماء در تهران منتشر شد.<sup>۹</sup>

چاپ بعدی کتاب، در سال ۱۴۰۰ق به صورت حرفی به اهتمام مکتبه نینوی الحدیثه در تهران، با مقدمه آیت الله سیدعلی میلانی انتشار یافت که پس از آن، دوبار با حروفچینی جدید در بیروت منتشر شد: یکی در سال ۱۴۰۸ق توسط مؤسسه النور، دیگری سال ۱۴۳۱ق توسط مؤسسه الصفاء.

در هر کدام از این چاپ‌ها، برخی از قصایدی که عالمان شیعی در پاسخ به قصیده بغدادیه سروده‌اند، ضمیمه شده است - که در سطور آینده به آنها اشاره خواهد شد.

اما نخستین چاپ تحقیقی - پس از گذشت ۱۱۵ سال از تألیف اصل کتاب - با استخراج کامل منابع و مبتنی بر نسخه خطی اصل مؤلف، همراه با مقدمه‌ها و پیوست‌های عالمانه، توسط محقق معاصر نجفی جناب احمدعلی مجید حلی در سال ۱۴۳۲ق / ۲۰۱۱م به بازار نشر عرضه شد.

۷. نورعلم، ش ۱۶، ص ۸۴. نیز رک: گزارش شیخ آقا بزرگ تهرانی که در مقدمه چاپ جدید مستدرک الوسائل (ج ۱، ص ۴۴) آمده است که چگونه محدث نوری تمام کارهای دیگر، حتی پاسخ به پرسش‌ها، را به اجمال برگزار می‌کرد تا کار مستدرک به تعویق نیفتد و ناتمام نماند.

۸. توجه به همین نکته. که موضوع این کتاب، محوری‌ترین رکن اندیشه دینی است. نگارنده این سطور را واداشت به محض دستیابی به این نسخه چاپی، کارهای دیگر را زمین بگذارد و به نوشتن این معرفی بپردازد.

۹. باید به دشواری چاپ و نشر در آن دوره توجه کرد تا عظمت این اقدام، بهت و روشن‌تر مجسم شود.

الافحام) به برکت رجوع به نسخه اصل مؤلف به دست آمده و برای نخستین بار در این چاپ ثبت شده است که از امتیازات این چاپ به شمار می آید.

در این فصل، بعضی از جملات دانشمندان اهل تسنن به زبان فارسی بوده که محقق کتاب، ترجمه عربی آنها را در حاشیه صفحات مربوطه آورده تا فایده کتاب، کامل شود (ص ۱۳۷-۲۲۹).

فصل اول با «ذکر دلیلی اجمالی بر اینکه مهدی موعود همان حجت بن الحسن العسکری علیه السلام است و نه شخصی دیگر» ادامه می یابد. با این عنوان، مباحثی می توان یافت؛ از جمله:

- پاره ای از احادیث نصوص بردوازه امام علیهم السلام، گاه با عنوان کلی «اثنا عشر خلیفه» و گاهی با ذکر نام و ویژگی ها؛

- حدیث ثقلین و نکاتی که از آن نتیجه می شود؛

- رد تأویل های ناروای برخی از محدثان اهل تسنن در مورد مصادیق حدیث دوازه خلیفه.

وقتی روشن شد پس از پیامبر در هر زمانی تا روز قیامت، باید یک تن از اهل البیت علیهم السلام باشد که همراه با قرآن، حجت خدا در زمان خود باشد، چه دلیلی باقی می ماند که عقیده امامیه در مورد وجود امام مهدی موعود در این زمان را نپذیریم؟! این همان مبنای دانشمندان منصف اهل تسنن است که مؤلف، چهل تن از آنان را همراه با سخنانشان در این زمینه یاد می کند - (ص ۲۳۱ - ۳۱۵).

در فصل دوم، محدث نوری به نقد درونمایه قصیده بغدادیه می پردازد. ابتدا بیان می کند که اصل کلام آلوسی در دو اشکال خلاصه می شود و مطالب دیگر، حاشیه است. آن گاه این دو شبهه را در فصل دوم پاسخ می گوید.

اشکال نخست این است که آلوسی می گوید: اگر شرط ظهور مهدی علیه السلام پرشدن جهان از ظلم است و آن جناب اکنون حیات دارد، پس باید ظاهر شود. لذا عدم ظهور، نشاندنده عدم حیات ایشان است.

محدث نوری، فصل دوم را به پاسخ این اشکال اختصاص داده و می گوید: پرشدن جهان از ظلم، یکی از شرایط ظهور آن جناب است نه علت منحصر. از سوی دیگر، قرن هاست جهان پر از ظلم شده که تاریخ آن - بر اساس احادیث اهل تسنن - به سده های نخستین تاریخ مسلمانان بازمی گردد. به علاوه، یکی از شرایط ظهور، وجود یاران موافق و آزموده برای برداشتن باری بسیار سنگین است که تحقق آرزوی تمام پیامبران و نیکان و پاکان است. ظهور آن حضرت، از یک جهت به بعثت جدّ بزرگوارش شباهت دارد که گسترش گمراهی ها

ناشرین چاپ، کتابخانه حرم ابی الفضل العباس (ع) در کربلائی معلی است، که در این گفتار، به معرفی اصل کتاب و تلاش محقق برای احیای آن می پردازیم.

مصحح کتاب، احمد علی مجید عبود الحلّی متولد ۱۹۷۱ حله است که در شش سالگی همراه با پدر به نجف رفت؛ از کتابخانه های آن دیار بهره برد و در محضر استادان نجف درس آموخت؛ خصوصاً علامه محقق آیت الله سید محمد مهدی خراسان و برادرش آیت الله سید محمد رضا خراسان.

تصحیح چند کتاب از او چاپ شده است؛ از جمله:

- السطان المفزع عن اهل الایمان، نوشته سید عبدالکریم نیلی؛

- المجالس الحسینیة، نوشته شیخ محمد حسین کاشف الغطاء؛

- سند الخصام فی ما انتخب من مسند الامام، نوشته شیخ شیر محمد همدانی.

حلّی، علاوه بر تألیف فهرس مخطوطات مکتبه السید محمد صادق بحر العلوم، دو کتاب دیگر درباره تاریخ مقام امام مهدی (ع) در حله و وادی السلام نوشته و چندین مقاله در حوزه مهدویت و نیز در باب شناخت محدث نوری انتشار داده است.

## [۷]

متن اصلی کتاب - که از صفحه ۱۲۱ تا ۴۴۶ چاپ حاضر را در برمی گیرد - شامل چند مبحث است:

- مقدمه مؤلف (ص ۱۲۳ - ۱۳۰): انگیزه تألیف و متن قصیده بغدادیه؛

- فصل اول (ص ۱۳۱ - ۳۱۵) که دیدگاه های مسلمانان درباره ولادت امام مهدی (ع) را بیان می کند. در اینجا به طور مختصر بیان می شود که در مورد اصل مهدی (ع) به عنوان منجی دادگستر، تواتر وجود دارد، ولی در مورد جزئی میان امامیه با بعضی از اهل تسنن اختلاف است: یکی اینکه او حسنی است یا حسینی؟ دیگر اینکه او متولد شده است یا خیر؟ (ص ۱۳۳-۱۳۵). در این فصل، ابتدا به ولادت امام مهدی - که همنام پیامبر و فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است و در سال ۲۵۵ زاده شده است - اشاره شده که چهل تن از دانشمندان سنی به این ولادت گواهی داده و اعتراف کرده اند. در مورد هر کدام نیز جملاتی از منابع تراجم و رجال اهل تسنن آورده که عظمت علمی او در نظر دانشمندان مکتب خلفا را نشان می دهد. بخشی از این منقولات، مستقیماً از منابع مربوط نقل شده و پاره ای دیگر به واسطه کتاب استقصاء الإفحام؛ کتابی ارزشمند از میرحامد حسین هندی که معمولاً به واسطه اثر دیگرش، کتاب جاودانه «عباقت الانوار» شناخته می شود (حاشیه، ص ۱۷۹). این نکته مهم (نقل به واسطه استقصاء

آیت الله شیخ فتح الله شیخ الشریعہ اصفهانی به آلوسی درباره امامت نیز می بینیم. این مجموعه مناظرات مکتوب در حدود سال ۱۳۳۰ هجری قمری، تقریباً همزمان با حمله نظامی انگلیس به بعضی از کشورهای اسلامی جریان داشته است. شیخ الشریعہ همزمان با شرکت در جهاد مسلحانه در برابر مهاجمان و ساماندهی آن، به پاسخگویی تفصیلی به آلوسی می پردازد و در جای جای این پاسخها، از اوشکایت می کند که چرا در چنین موقعیت دشوار مسلمانان، شیخ الشریعہ را به این کار، مجبور کرده است. مجموعه این مناظرات بر اساس نسخه خطی موجود در کتابخانه آیت الله مرعشی توسط نگارنده تصحیح و تحقیق شده و در آستانه انتشار است.<sup>۱</sup>

کتاب الفصول المهمة فی تألیف الأمة، نوشته علامه سید عبدالحسین شرف الدین و حقّ الیقین فی التألیف بین المسلمین نوشته مرحوم سید محسن امین عاملی نیز، گواه روشن بر مواضع درخشان علمای شیعه در برابر اقدامات تفرقه افکنانه دشمنان است - که درباره ی آنها در منابع دیگر به تفصیل سخن رفته است.

## [۸]

پیوسته های کتاب، شامل هشت پاسخ منظوم به قصیده بغدادیه است، همراه با شرح حال مختصر صاحبان آنها که متن چهار پاسخ اول به دست آمده و در اینجا به طور کامل نقل شده است؛ اما در مورد پاسخ های دیگر فقط گزارشی در آثار دیگر آمده و به همان مقدار اشاره شده است. به امید بازایی آنها در فرصت های بعدی.

در ادامه به این هشت مورد اشاره می شود:

۱. قصیده شیخ محمد حسین کاشف الغطاء (م. ۱۳۷۳)؛

او - که شاگرد محدث نوری بود، در ۲۲ سالگی، متن کتاب کشف الاستار را در ضمن قصیده ای ۲۴۲ بیتی به نظم درآورد. (ص ۴۵۱ - ۴۸۱).

۲. قصیده شیخ محمد جواد بلاغی (م. ۱۳۵۲)؛

این قصیده، ۱۱۰ بیت دارد که با توجه به جامعیت و نوآوری او در علوم مختلف، از جایگاه خاصی برخوردار است. (ص ۴۸۳ - ۴۹۸)

۳. قصیده سید رضا هندی (م. ۱۳۶۲)؛

این قصیده ۱۰۸ بیتی نیز شامل استدلال های خواندنی است (ص ۴۹۹ - ۵۱۰).

۴. قصیده سید محسن امین عاملی (م. ۱۳۷۱)؛

۱۰. حلی نیز در مقدمه کشف الاستار (ص ۴۹) به نسخه خطی آن اشاره کرده، که در کتابخانه آیت الله حکیم است.

۱۱. مرحوم سید محمد صادق بحر العلوم، شرحی نسبتاً مبسوط بر این قصیده در ذیل آن آورده است. (رک: سید محمد صادق بحر العلوم (م. ۱۳۹۹)؛ الصلوة العلویة علی القصیده البغدادیة؛ کربلا مکتبة الروضة العباسیة، ۲۰۱۰/۱۴۳۱، ص ۸۷-۱۵۴).

قبل از ظهور، یادآور گسترش ضلالت ها قبل از بعثت است؛ این یک به ظاهر کفر، و آن یک با تأویل های ناروا. پیامبر در میان آن همه ضلالت می زیست؛ اما مردم را به توحید خدا و نبوت خود دعوت نکرد؛ مگر پس از مأموریت به رسالت. امام مهدی نیز در میان این همه ظلم و ضلالت، منتظر اذن الهی برای خروج و ظهور است.

این بخش با تفصیل استدلال ها و مبتنی بر احادیث فراوان اهل تسنن - یعنی ترکیب زیبایی از عقل و نقل - بیان شده است. (ص ۳۱۹ - ۳۸۶)

اشکال دوم آلوسی، عدم فایده امامی است که حکم و فتوا ندهد و تصرف در امور نکند.

محدث نوری در اینجا به حکمت وجود اهل بیت و فواید مترتب بر آن اشاره میکند؛ مانند:

- وساطت فیض میان خدا و خلق؛

- دفع عذاب گسترده از اهل زمین؛

- حفظ دین از نابودی و تأویل های باطل - که این نفع به مؤمنان می رسد.

این بخش (ص ۳۸۷ - ۳۹۶) بسیار موجز است و به شرح و تفصیل بیشتر نیاز دارد.

خاتمه کتاب (ص ۳۹۹ - ۴۴۶) پاسخ به دو بیت آلوسی است که به شیعه نسبت های ناروا داده؛ از جمله اینکه آنها سرداب سامرا را برتر از مکه می دانند و آن را محلّ اختفای حضرت مهدی در دوره غیبت می پندارند که روزی از آن بیرون می آید. بحث های موشکافانه مؤلف در علت تسمیه سرداب سامرا به «سرداب غیبت» و جداسازی حقایق تاریخی از خرافات عامیانه - که دستاویز آلوسی و مانند او شده - یکی از بخش های درخشان این کتاب است. در این بخش، ضرورتاً به بیان دیدگاه های محدثان و مورخان متقدم امامیه، مانند شیخ صدوق، طوسی، مفید، سید مرتضی و کلینی می پردازد و نشان می دهد چنین نسبت هایی به شیعه، افترای محض است. احادیث معتبر، منابعی مانند غیبت فضل بن شاذان و غیبت نعمانی، آغاز ظهور را مکه مکرمه می داند.

آخرین صفحات کتاب، دو نکته است: یکی نکته ای استدلالی درباره حضرت مهدی علیه السلام و نقد برخی از منابع اهل تسنن در این مورد است و دیگری اشاره به اینکه انتشار قصیده آلوسی و کتاب صواقع نوشته ملا نصرالله کابلی و کتاب تحفه اثنا عشریه نوشته عبدالعزیز دهلوی و مانند آن، گام هایی است که به اتحاد مسلمانان ضربه می زند، مدارای فرقه های مختلف با هم را هدف قرار می دهد و دشمنان را به هجوم بر مسلمانان امیدوار می سازد (ص ۴۶۵ - ۴۴۶).

گفتنی است این رویکرد ضد تفرقه را در پاسخ های مکتوب مرحوم

مرحوم نوری است که بسیار خواندنی و درس آموز است.

ج) درباره کتاب کشف الاستار: محتوای آن، چاپ‌های پیشین، نسخه‌های خطی مورد اعتماد، روش تحقیق، تشکرها، نمونه نسخه‌های اساس تحقیق.

نسخه اساس تحقیق، نسخه خط مؤلف موجود در کتابخانه آیت الله حکیم در نجف است. نسخه دیگر، نسخه‌ای است که در اختیار مرحوم شیخ نصرالله شبستری بوده، در زمان مؤلف کتابت شده و گواهی تصحیح آن به خط مؤلف در آخر آن آمده است. ضمناً از نسخه چاپ سنگی سال ۱۳۱۸ نیز استفاده شده است.

در پایان کتاب نیز فهرس فنی (آیات، احادیث، اعلام، مکان‌ها، قبایل و بیوت، اشعار و پس از آن فهرست ۲۴۱ منبع با کتابشناسی دقیق آمده است.

## [۱۰]

این تصحیح و تحقیق، امتیازهای ویژه‌ای دارد؛ از جمله:

۱. علاقه مؤلف به تحقیق و تألیف در موضوع مهدویت؛ با نگاهی به کارنامه علمی و قلمی احمد علی مجید حلی، هشت مقاله از او در نشریه «الانتظار» (چاپ مرکز الدراسات التخصصية فی الامام المهدي عليه السلام، نجف اشرف) می‌بینیم؛ مانند:
- المخطوطات المهدوية فی مكتبة الامام اميرالمؤمنين عليه السلام؛
- المخطوطات المهدوية فی مكتبة الامام الحكيم؛
- الكتب المهدوية فی المطبوعات النجفية.

همچنین در میان دیگر مقالاتی که در نشریه تراثنا (چاپ قم) و النجف الاشرف (چاپ نجف) انتشار داده، پژوهش‌هایی درباره قصیده بغدادیه و پاسخ‌هایی که به آن داده شده است، می‌بینیم. در عرصه تحقیق متون نیز، این کتاب سومین متن مهدویت است که منتشر کرده است. پیش از این، تحقیق دو کتاب مهدوی را در کارنامه‌اش می‌بینیم:

- المنتقى من السلطان المفرج عن اهل الايمان، سيد عبد الكريم نيلي؛
- الصولة العلوية على القصيدة البغدادية، سيد محمد صادق بحر العلوم.

این پیشینه، سبب می‌شود تخصیص و حوصله و پشتکار برای تحقیق این کتاب را نیز در فضای معنوی که سال‌ها در آن زیسته، به کارگیرد.

۲. انس مصحح با آثار مؤلف: حلی، علاقه خاصی به محدث نوری و آثارش دارد که در خلال بعضی از گفت‌وگوها که در قم و نجف با او داشته‌ام، دیده‌ام. از جمله آثار این انس و علاقه، پژوهش و مطالعه آثار

شامل ۳۱۱ بیت با تقسیم موضوعی که به ترتیب مطالب قصیده آلوسی، به پاسخ آنها می‌پردازد (ص ۵۱۱ - ۵۴۴).<sup>۱۲</sup>

۵. قصیده شیخ رشید عاملی (م. ۱۳۱۷)؛

۶. قصیده سید علی امین عاملی در ۱۱۹ بیت (م. ۱۳۲۸)؛

۷. قصیده شیخ عبدالهادی همدانی بغدادی (م. ۱۳۳۳)؛

۸. قصیده شیخ محمد باقر بهاری همدانی (قرن ۱۴).<sup>۱۳</sup>

گفتیم که فقط گزارش این قصاید آمده است؛ به امید دستیابی به اصل آنها که به زمان‌های دیگر موکول شده است (ص ۵۴۵ - ۵۵۲).<sup>۱۴</sup>

## [۹]

مقدمه درازدامن محقق (ص ۱۱ - ۱۲۱) شامل چند بخش است:

الف) مقدمه سید علی میلانی بر چاپ دوم؛ یعنی نخستین چاپ حروفی کتاب (ص ۱۵ - ۴۱)؛

۲) پژوهشی در باب قصیده بغدادیه؛ متن قصیده، موضوع آن، ناظم آن، نکاتی در مورد آن، جوابیه‌های آن (ص ۴۳ - ۵۹)؛

ب) نقل پاره‌هایی از منابع چاپ نشده در مورد محدث نوری؛ مانند گفتارهای:

- شیخ علی کاشف الغطاء در کتاب‌های: نهج الصواب، الحصون المنیعة؛

- شیخ محمد طهرانی عسکری در ضمن اجازه به میرزا محمد علی اوربادی؛

- شیخ محمد حسین کاشف الغطاء در کتاب‌های: عقود حیاتی، العباقات العنبرية؛

- شیخ محمد علی اوربادی در ضمن موسوعه‌اش.

پس از آن، پراکنده‌های شیخ آقا بزرگ تهرانی در ضمن کتاب طبقات اعلام الشیعه در مورد استادش محدث نوری تدوین شده است (ص ۶۱ - ۹۴).

این بخش، خود منبعی از نویافته‌های کتابخانه‌های نجف درباره

۱۲. علامه سید محسن امین، مضامین همین قصیده را با شرح و توضیح بیشتر در کتاب «البرهان علی وجود صاحب الزمان علیه السلام» آورده است، چنان‌که در پاسخ به شبهات وهابیت، قصیده «العقود الدرية» را با نزدیک به سیصد بیت سروده و پس از آن کتاب «کشف الازیتاب» را در شرح آن مطالب نگاشته است.

۱۳. در مقاله «بهاری خزان» نوشته احمد زنجیری حیدر باغی (فصلنامه پژوهش‌های مهدوی، ش ۱، تابستان ۱۳۹۰، ص ۲۱۱ - ۲۲۴) کتابشناسی و نسخه‌شناسی آثار مهدوی شیخ محمد باقر بهاری همدانی معرفی شده است، ولی از این قصیده نام نبرده است. این مطلب به بررسی بیشتر نیاز دارد.

۱۴. محقق فقید آیت الله سید محمد صادق بحر العلوم در سال ۱۳۵۳ قمری، مجموعه‌ای در این موضوع فراهم آورده که بخش اصلی آن، متن قصاید شیخ محمد جواد بلاغی و شیخ محمد حسین کاشف الغطاء، همراه با شرح آن است. این مجموعه، با تحقیق احمد علی مجید حلی، با عنوان «الصولة العلوية على القصيدة البغدادية» منتشر شده است (کربلا: مکتبه الروضة العباسية، ۱۳۳۱ / ۲۰۱۰، ۱۸۷ صفحه).

در کتابخانه آیت الله العظمی سید محسن حکیم در نجف موجود است (کشف الاستار، صص ۹۹ و ۱۱۱-۱۱۲). یکی از آثار رجوع به این نسخه، توجه به نکته‌ای است که مؤلف در یکی از حواشی این نسخه اشاره کرده است: «نقل ذلك وجملته مما تقدم العالم الخبير النقاد المعاصر، المولوی حامد حسین رحمہ اللہ فی استقصاء الافحام» (کشف الاستار، ص ۱۷۹).

این جمله کلیدی، به محقق کمک کرده نشانی بعضی از مصادر کتاب را که پس از تلاش فراوان نیافته، به واسطه کتاب «استقصاء الافحام» به دست آورد و در تصحیح منقولات، از آنها کمک گیرد.

در اینجا باید به مناسبت به پیوند استواری اشاره کرد که میان محدث نوری با میرحامد حسین و فرزند دانشمندش سید ناصر حسین بوده است؛ به شهادت نامه‌هایی که میان اینان مبادله شده است.<sup>۱۵</sup> در خلال این نامه‌ها، همکاری علمی میان دو قطب مهم شیعی در آن روز عراق و هند، به خوبی هویدا است.

این یادآوری نیز بجاست که آیت الله سید علی میلانی، پس از تلاش در تلخیص و تعریف کتاب جاودانه عبقات الانوار،<sup>۱۶</sup> به تلخیص و تعریف کتاب استقصاء الافحام نیز پرداخته و آن را در سه مجلد به نام «استخراج المرام من کتاب استقصاء الافحام» منتشر کرده است. دشواری رجوع به کتابهای عبقات و استقصاء (با توجه به اینکه به زبان فارسی پیچیده هندی است و به صورت چاپ سنگی منتشر شده و تقریباً نایاب است) با رجوع به این تلخیص‌های روان و خوش خوان برطرف می‌شود. رجوع به این منابع در بعضی از پژوهش‌های حوزه امامت و مهدویت، ناگزیر است.

نسخه خطی دیگر مورد استفاده محقق، به خط کاتبی دیگر است، اما از نظر مؤلف گذشته و محدث نوری یادداشتی بر آن نوشته است. شایان ذکر است دسترسی مؤلف به کتابخانه‌های مهم نجف مانند کتابخانه آیت الله حکیم و کتابخانه آیت الله کاشف الغطاء، راه او به منابع فراوان را گشوده است (کشف الاستار، صص ۹۹-۱۰۰ و ۱۱۶).

۴. ترجمه عربی منقولات فارسی: بخشی از منقولات و مستندات مؤلف، عبارات فارسی است که محقق به کمک استاد عبدالرحیم مبارک، به زبان عربی برگردانده تا فایده کتاب بیشتر شود.

یکی از نکات جالب، امانتداری و دقت علمی محقق است که در یک مورد که ترجمه عربی عبارت فارسی مرآت الاسرار نوشته عبدالرحمان

۱۵. بیست و هفت نامه از نامه‌های محدث نوری به میرحامد حسین فرزندش را استاد محقق شیخ رضا مختاری در کتاب جمع پریشان، جلد اول و سه نامه دیگر را نگارنده در شماره سوم فصلنامه سفینه آورده است.

۱۶. به نام «نفحات الازهار فی تلخیص عبقات الانوار» که در بیست جلد منتشر شده است (رک: مقاله نگارنده در معرفی آن، در نخستین شماره امامت پژوهی، چاپ قم، بهار ۱۳۹۰).

# کشف الاستار عن وجه الغائب عن الابصار

تألیف  
العلامة الميرزا حسين بن محمد تقي النوري  
للسنة ۱۳۲۰ هـ

تحقیق  
احمد علی محمد الحلبي

إجمعة وضطة ووضع فهرسة  
وحدة تحقيق  
مكتبة الغيبة العباسية المقدسة

مؤلف از بیست سال پیش تا کنون، نیز برگزاری مراسم صدمین سال رحلت محدث نوری در سال ۱۴۲۰ ق (۱۳۷۸ ش) در شدت اختناق صدامی بوده که به صورتی محدود، در مدرسه شیخ محمد حسین کاشف الغطاء (نجف) برگزار کرده است؛ چنانکه نگارنده این سطور، به همان مناسبت، در تهران، کتاب «آداب زیارت» محدث نوری (بخشی از کتاب تحية الزائر) را همراه با مقدمه مفصل و تعلیقات فراوان، تصحیح و تحقیق و منتشر کرد و در همان سال، کتاب «علامه محدث نوری» را در شرح حال آن بزرگمرد، در حدود چهار صد صفحه نگاشت و انتشار داد.

باری، حلی نمونه‌ای از این انس و علاقه را - که به نوعی به تخصص درباره محدث نوری و آثارش منجر شده است - در این سطور نشان می‌دهد:

«امروز که من این کتاب را تحقیق می‌کنم، خود را غرق در سعادت توفیق و الطاف الهی می‌بینم. بدین روی، از خداوند بزرگ رضا و قبول می‌طلبم، و امیدوارم دعا‌های مؤلف را شامل حال من گرداند؛ چرا که من بارها توسط به قبر او در سرعت اجابت دعاها را آزمودام» (کشف الاستار، مقدمه محقق، ص ۹۶).

۳. دستیابی به نسخه اصل مصنف: در میان چاپ‌های متعدّد این کتاب، امتیاز این چاپ، رجوع به نسخه خط مصنف است که

۱۷۴ - ۱۷۶ و ۲۰۴ - ۲۰۸).

۳. محدث نوری، قطعه‌ای از کتاب شعیا نقل کرده که اصل آن، احتمالاً به زبان عبری، سریانی یا زبانی دیگر است (ص ۲۰۸). مقابله آن با زبان اصلی ضرورت دارد.

۴. حلی در مقدمه کتاب، درباره چاپ‌های پیشین کتاب و قصیده بغدادیه سخن گفته است. جا داشت در اینجا از این موارد نیز یاد کند:

الف. ترجمه فارسی کتاب، از سید علی میرغفاری آذرشهری با عنوان «رخسار پنهان» (چاپ تهران، مسجد صدریه، ۱۳۷۷ ش). بنگرید به مقاله دکتر مهدی دشتی در معرفی آن: کتاب ماه دین، شماره ۱۸، فروردین ۱۳۷۸ ش، ص ۸ - ۱۱.

ب. ترجمه فارسی دیگر توسط دکتر جلال برنجیان تبریزی به پایان رسیده و برای نشر به انتشارات آفاق سپرده شده است (خبر آن را از مترجم شنیده‌ام).<sup>۱۷</sup>

ج. دکتر حسن عبدالهی در کتاب «سیمای امام مهدی عجل الله فرجه در شعر عربی» فصلی مشبع را به معرفی قصیده بغدادیه و پاسخ‌های آن اختصاص داده و بیت‌های زیادی از آنها را با شرح و توضیح ترجمه نقل کرده است (چاپ قم: مسجد جمکران، ۱۴۱۹ ق، صص ۲۰۲ - ۲۶۸، ۳۰۲ - ۳۰۹، ۳۱۸ - ۳۲۰).

د. ملاعلی خیابانی تبریزی در کتاب وقایع الایام، مجلد ماه شعبان، صص ۲۸۸ - ۲۸۹، بیت‌هایی از قصیده مرحوم کاشف الغطاء و ترجمه قسمت‌هایی از کشف الاستار را آورده است.

ه. ملخص کشف الاستار، از شیخ احمد بن درویش علی بغدادی (م. ۱۳۲۹ ق) ضمن مجموعه هفت جلدی «کنز الادیب فی کل فن عجیب».

بنگرید: الذریعه، ج ۱۸، ص ۱۴۴ و کتاب نامه حضرت مهدی علیه السلام، نوشته علی اکبر مهدی پور، ج ۲، صص ۶۸۰ - ۶۸۱.

و. سید جواد شبر در کتاب ادب الطف، ج ۹، صص ۲۴۸ - ۲۵۲، مطالبی در مورد قصیده بغدادیه، از جمله نه قصیده رذیه در پاسخ بغدادیه آورده است.

ز. محدث قمی در شرح حال خود نوشت - که در کتاب علمای معاصرین آمده - به کشف الاستار اشاره می‌کند (علمای معاصرین، چاپ سنگی قدیم، ص ۱۸۱).

۱۷. اصل این ترجمه، پایان نامه کارشناسی ارشد مترجم بوده که به دانشگاه آزاد اسلامی تهران ارائه کرده است. (بنگرید: جلال برنجیان؛ فرهنگ و تمدن جهان در عصر موعود؛ تهران، طور، ۱۳۸۳، ص ۳۰۴؛ فهرست منابع کتاب).

چشتی را از کتاب اعیان الشیعه تألیف مرحوم سید محسن امین عاملی نقل کرده، به این مطلب تصریح نموده است (کشف الاستار، ص ۲۰۶).

۵. تعلیقات یاد شده و منابع نویافته در مورد محدث نوری در مقدمه، عملاً چندین کتاب به کشف الاستار افزوده که هر کدام در جای خود، می‌تواند منبعی مفید برای پژوهشگران باشد.

۶. درج تعلیقات مرحوم آیت الله شیخ نصرالله شبستری بر نسخه خطی کتاب که در اختیار داشته است (برای نمونه، رک: صص ۱۸۴، ۲۰۵، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۹، ۲۷۲).

۷. اعراب‌گذاری کامل اشعار در بخش تعلیقات.

۸. تطبیق مطالب کتاب با کتاب دیگر مؤلف در این موضوع (نجم ثاقب)، که به درج نکات جالبی در حاشیه صفحات، انجامیده است.

۹. خطاهای چاپی در آن اندک است؛ آن هم بیشتر در منقولات فارسی است که بدان اشاره خواهد شد.

۱۰. روزآمدی کتاب؛ از جمله اشاره به فاجعه‌ی انفجار حرم عسکریین علیهما السلام در سامرا، که در حاشیه صفحه ۱۹۴ - ۱۹۵ بدان اشاره شده و برای ثبت در تاریخ ضرورت دارد.

۱۱. نقل شرح حال شیخ محمد جواد بلاغی و سید رضا هندی نجفی و سید محسن امین از کتاب منتشر نشده الدرر البهیة فی تراجم علماء الامامیه نوشته مرحوم سید محمد صادق بحر العلوم، همراه با تعلیقات و توضیحات (صص ۴۸۳ - ۴۹۰، ۴۹۹ - ۵۰۱ و ۵۱۱ - ۵۲۳).

## [۱۱]

توفیق مطالعه و بررسی مکرزاین کتاب، در اواخر ماه رمضان نصیب شد. در خلال آن، به نکاتی برخوردیم که می‌تواند برای چاپ‌های بعدی مفید باشد:

۱. پیشنهاد می‌شود قصیده ۲۵ بیتی آلوسی و قصایدی که در پاسخ آن در ملحقات کتاب آمده است، شماره‌گذاری شود.

این کار می‌تواند مقدمه‌ای بر تهیه یک نمایه موضوعی یا جدول تطبیقی راهنما، از شبهات آلوسی و پاسخ‌های آن در متن کتاب و قصاید دیگر باشد، تا پژوهشگران در کوتاه‌ترین زمان به مطالب مورد نظر خود دست یابند.

۲. منقولات فارسی به بازمینی و ویرایش جدی نیاز دارد. فقدان علائم سجاوندی، خواندن بعضی از آنها را دشوار می‌سازد. علاوه بر اینکه در هر حال، خواندن متون کهن برای همگان آسان نیست (مثلاً صص



ح) کتاب دانشمندان عامه و مهدی موعود نوشته مرحوم استاد علی دوانی، که بخش عمده‌ای از آن، برگرفته از کشف الاستار است.

۵. حلی در صفحه ۹۴، منابع مربوط به محدث نوری را نام برده است. ذکر این منابع برای تکمیل فهرست یاد شده مفید است:

یکم. کتاب رایت نور، نوشته محمد صحتی سردرودی (قم: سازمان تبلیغات اسلامی، سلسله دیدار یا ابرار).

دوم. مقدمه نگارنده این سطور بر کتاب آداب زیارت محدث نوری (تهران: ابرون، ۱۳۷۸ ش).

سوم. کتاب علامه محدث نوری، از نگارنده (تهران: ابرون، ۱۳۷۸ شمسی). نیز: چندین مقاله و یادداشت که پس از آن نوشته است؛ از جمله: مقدمه محدث نوری بر کتاب الصیحة الثالثة السجادية (در فصلنامه سفینه، شماره ۷)، مقدمه محدث نوری بر تفسیر مرآة الانوار (در: جنگ انجمن فهرست نگاران نسخه‌های خطی، دفتر ۲)، قصیده غدیریة محدث نوری (در: سایت اینترنتی مؤسسه کتابشناسی شیعه)، مقاله سربرآستان دوست (در همان سایت)، دو تقریظ بر کتاب نجم ثاقب (جنگ انجمن فهرست نگاران، دفتر ۲).

چهارم. نوشته میرزا یحیی اصفهانی در پایان نسخه خطی «خاتمة المستدرک»، به نقل مرحوم میرزا فخرالدین نصیری در گنجینه خطوط دانشمندان، ج ۱، ص ۹۱۱ - ۹۱۲.

پنجم. اجازه روایی مفصل محدث نوری به شاگرد، خواهرزاده و دامادش شهید شیخ فضل الله نوری که متن کامل آن را محمد ترکمان در کتاب مجموعه رسائل شیخ شهید نوری، ج ۲، ص ۴۴۷ - ۴۴۹ به خط محدث نوری آورده است.

ششم. اجازه روایی محدث نوری به سید نصرالله تقوی اخوی که متن کامل آن در تذکره مدینه الادب ج ۲، ص ۵۰۶ - ۵۱۱ آمده است (تهران: کتابخانه مجلس).

هفتم. اجازه روایی محدث نوری به میرزا محمد ارباب قمی که مرحوم میرزا فخرالدین نصیری همراه نامه استجازه او در کتاب گنجینه خطوط دانشمندان، ج ۱، ص ۸۵۲ - ۸۵۳ آورده است.

هشتم. اجازه روایتی محدث نوری به شیخ محمد باقر بیرجندی در پایان کتاب «الفوائد الکاظمية» بیرجندی (نسخه خطی شماره ۳۴۱۵ کتابخانه آیت الله مرعشی).

نهم. اجازه روایتی محدث نوری به امام الحرمین، محمد بن عبد الوهاب همدانی در مجموعه «الشجرة المورقة والمشيخة المونقة» (نسخه خطی شماره ۵۴۴۲ کتابخانه آیت الله مرعشی، که محقق تهرانی در

الذریعه، ج ۱۱، ص ۱۸ نیز از آن یاد کرده است).

دهم. مقدمه تفصیلی خاتمة مستدرک الوسائل، چاپ حرفی مؤسسه آل البيت (حدود ۹۰ صفحه).

یازدهم. شرح حال محدث نوری در لوح فشرده جامع الاحادیث (قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری نور).

دوازدهم. توصیه نامه اخلاقی محدث نوری که مرحوم فخرالدین نصیری در کتاب گنجینه خطوط دانشمندان، ج ۱، ص ۹۰۷ آورده است.

سیزدهم. مکتوبی از «بعض مجاورین کربلای معلی» که فاضل کشمیری در تکملة نجوم السماء (چاپ بصیرتی قم)، ج ۲، ص ۲۱۰ - ۲۱۵ نقل کرده است.

چهاردهم. مقدمه شیخ فضل الله نوری بر جلد اول مستدرک الوسائل چاپ قدیم، که محمد ترکمان در مجموعه رسائل شیخ شهید نوری، ج ۱، ص ۴۰۴ آن را نقل می کند.

پانزدهم. تقریظ منظوم ۹۳ بیتی شهید نوری بر کتاب شاخه طوبی محدث نوری، در: مجموعه رسائل شیخ شهید نوری، ج ۱، ص ۳۹۹ - ۴۰۱.

شانزدهم. نکات مرحوم سردار کابلی، در کتاب: زندگانی سردار کابلی، صص ۴۹ - ۵۰، ۵۵ و ۱۰۴ - ۱۰۵.

هفدهم. حکایت میرزا هادی خراسانی حائری در کتاب: معجزات و کرامات ائمه اطهار علیهم السلام (چاپ داوری قم).

۶. محقق به بعضی از منابع کتاب دست نیافته، در حالی که موجود و مطبوع است؛ از جمله:

۱. فصل الخطاب، نوشته خواجه محمد پارسا (صص ۱۶۷ و ۳۹۳).

۲. دیوان شمس، سروده مولوی (ص ۲۲۰)؛

۳. الکلمات الذوقية، نوشته سهروردی (ص ۲۴۲)؛

۴. التمهید فی بیان التوحید، حنفی (ص ۳۰۳)؛

۵. مناسک الحج، عبدالرحمان جامی (ص ۳۹۳)؛

۶. جذب القلوب الی دیار المحبوب، عبدالحق دهلوی (ص ۳۹۳)؛

۷. الشهاب الثاقب نوشته سید محمد باقر حجت طباطبایی (ص ۵۵۱)؛

۸. ذات الانوار (قصیده تائیه) سروده ابن فارض (ص ۲۱۶).

۷. اشتباهات چاپی که باید تصحیح شود، وجه صحیح آن در پیرانتز ذکر می شود:

- ص ۱۷۵، س ۱۰: بدینجار سید (بدینجا رسید).

- العبقات العنبرية في الطبقات الجعفرية: با تحقیق دکتر جودت قزوینی انتشار یافته است (بیروت: مکتبه الهلال، ۱۴۱۸ ق).

۱۱. در فهرست احادیث - که به ترتیب حروف الفبای صدر احادیث مرتب شده - گاهی کلمه «فقال» و «قال» جزء حدیث قرار گرفته که درست به نظر نمی آید (ص ۵۶۲).

۱۲. در فهرست عناوین مطالب کتاب، بهتر است عناوین اصلی از فرعی تفکیک شود (ص ۶۳۳ - ۶۳۶).

### [۱۲]

در ضمن تعلیقات محقق، فواید فراوانی آمده که فهرست کردن تمام یا دست کم مهم ترین آنها به خوانندگان پژوهشگر کمک می‌رساند. در اینجا بعضی از آنها برای نمونه یاد می‌شود:

۱. ص ۱۲۴ - ۱۲۵: نقل وجوه تشبیه امام عصر علیه السلام به خورشید پشت ابر، از علامه مجلسی.

۲. ص ۱۴۶: قزاوغلی (سبط ابن جوزی) وجوه تسمیه او.

۳. ص ۱۵۷: برلوسی وجوه تسمیه او.

۴. ص ۱۶۲: تصحیف متعصّد به معتمد.

۵. ص ۲۱۲: توضیح در مورد شیخ حموی و عقاید نسفی.

۶. ص ۲۱۶: توضیح در مورد قصیده ذات الانوار (تائیه ابن فارض).

۷. ص ۲۳۶: منقولات از شعب الایمان بیهقی.

۸. ص ۲۹۰: منقولات از الابانة عکبری.

۹. ص ۳۵۹: تصحیف کلمه «غدا ف».

۱۰. ص ۴۳۲: نکته‌ای در مورد سرداب سامرا از شیخ مفید.

۱۱. ص ۴۹۶: توضیح چند بیت از قصیده شیخ محمد جواد بلاغی.

۱۲. ص ۵۴۵: تذکری به تصحیف الزبدینی به الزینی در کتاب الذریعه محقق تهرانی.

فواید کتاب بیش از اینهاست. نکاتی که در بند ۱۱ ذکر شد، به هیچ وجه، از ارزش تحقیق کتاب نمی‌کاهد. توفیق روزافزون محقق را در احیاء و تألیف و ترویج فرهنگ شیعی و حقایق مهدوی، از آستان مقدس حضرت بقیة الله ارواحنا فداه مسئلت می‌کنیم.

- ص ۱۹۶، س آخر: ما رام امام (ما را امام).

- ص ۱۹۷، س ۳: همچوید مهدی سپهسالار در عالم کجاست؟ (همچو یک مهدی سپهسالار عالم در کجاست؟)

- ص ۲۰۵، سطر اول پاورقی: مخفی [کلمه غیر مقروءه] (مخفی نماند).

- ص ۲۰۵، سطر سوم پاورقی: مئت نمونه [کلمه غیر مقروءه] میباید (مشت نمونه خروار می باشد).

- ص ۲۲۲، سطر اول پاورقی: موس (موسی).

- ص ۲۳۷، پاورقی ۶: دنباوند (احتمالاً «دماوند»).

- ص ۲۳۹، س ۱۵: بقول: بعضی (علامت دو نقطه زاید است).

- ص ۲۴۰، س ۲ متن وسط آخر پاورقی: هر نکته که آن زمانها است (هر نکته که آن زمانها است).

- ص ۲۵۴، پاورقی ۱: فتح الباری (فتح الباری).

- ص ۲۶۳، س اول از پاورقی ۲: فصیح الدین الاستبیا ضی (ظاهراً «فصیح الدین الدشت بیاضی». منسوب به دشت بیاض).

- ص ۴۴۴، س ۱۰: (الصواعق) لملائصر الله... (الصواعق) لملائصر الله... (در آخرین سطر پاورقی همان صفحه، نام صحیح، یعنی صواعق آمده است).

بدیهی است این تعداد خطای چاپی در کتابی با چنین حجم و گستره مطالب، قابل چشم پوشی است.

۸. عباراتی که نگارنده معنای آن را نفهمید:

- ص ۲۰۵، سطر دوم پاورقی: در این موضوع کلام خیلی مبسوط دارد وانجی و متن

- ص ۲۱۴، پاورقی ۴: سیواس: بر الأناضول.

- ص ۲۲۲، سطر دوم پاورقی: با تقی قائم بگو.

- ص ۲۲۳، س ۶: ای ولای تو معین آمده (وزن شعر، نادرست است).

- ص ۴۴۶، سطر آخر پاورقی: الحسینی النکرانی أجارودی.

۹. پیشنهاد می‌شود فهرستی از تعلیقات مصنف بر کتاب در بخش فهرس افزوده شود. چنین فهرستی می‌تواند چهره علمی محدث نوری در علم الحدیث و رجال تشیع و تسنن را نشان دهد.

۱۰. در ضمن شرح حال شیخ محمد حسین کاشف الغطاء، به بعضی از آثار مخطوط ایشان اشاره شده که برخی از آنها به چاپ رسیده، ولی محقق کتاب به چاپ آنها اشاره نکرده است، از جمله:

- تعالیق علی نهج البلاغه، این تعلیقات، به اهتمام ابوالفضل والازاده (به راهنمایی استاد سید احمد اشکوری) در فصلنامه سفینه، شماره ۴ و ۵ منتشر شد.

- المجالس الحسینیة: این کتاب به اهتمام حلّی (محقق کشف‌الاستار) منتشر شده است. (کربلا: مکتبه الروضة العباسیة).